

مطالعه نقش تغییر مدیریت بر انتخاب حسابرس

فرهاد شاه‌ریسی^۱
سامان محمدی^۲
مید احمد موسوی^۳

چکیده

تعویض مدیریت شرکت‌ها به مدیران و موضوع جدایی مالکیت از مدیریت منجر به مشکل نمایندگی ناشی از وجود تفاوت در تابع مطلوبیت ذینفعان شده است. انگیزه ما بر آن دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود و یکی از با اهمیت‌ترین و موثرترین روش‌های هماهنگ نمودن منافع سهامداران و مدیران، حسابرس مستقل است. مدیران شرکت‌ها ممکن است بنا به علل مختلف اقدام به تغییر اختیاری حسابرس مستقل واحد اقتصادی خود نمایند. یکی از عوامل وقوع چنین تغییری، فرصت‌های دستکاری سود است. وجود این فرصت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده وجود شرایط بالقوه اختلاف نظر با حسابرسان و در نتیجه، زمینه‌ساز شروع ذهنیت تغییر حسابرس باشد. مدیران شرکت‌ها با توجه به ناآبروی قابل ملاحظه‌ای خود در ابقاء و تغییر حسابرسان ممکن است با بهره‌گیری از این تاثیر، حسابرسی را که اظهار نظر مطلوب و دلخواه مدیریت را صادر می‌کند جایگزین حسابرس قبلی نموده تا بدین وسیله منافع خود را به حداکثر برسانند. هدف پژوهش مطالعه تاثیر تغییر مدیریت، سازمانی بر تغییر حسابرس بوده است. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل و بازه زمانی پژوهش را فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴ در بر گرفته است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون ناپارامتریک توزیع خنجر دو استفاده گردیده و نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که: بین تغییر مدیریت و تغییر حسابرس و نوع تغییر حسابرس مستقل، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. **واژگان کلیدی:** تغییر مدیریت، انتخاب حسابرس، نوع تغییر حسابرس، کیفیت حسابرسی.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. دانشجوی دکتری حسابداری واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

۳. دانشجوی دکتری حسابداری واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی رجا

Email: samammohamadi.ace@gmail.com

۱. مقدمه

از الزامات رقابت سالم دسترسی سرمایه‌گذاران و کلبه مشارکت‌کنندگان بازار به اطلاعات صحیح و قابل اطمینان است. یکی از انواع مهم بازارها، بازار سرمایه است که اطلاعات شفاف و قابل اطمینان بر عملکرد آن به شدت مؤثر است. وجود نقصان و ابهام در اطلاعات در این بازار موجب افزایش هزینه مبادلات و ناتوانی بازار در تخصیص بهینه منابع می‌شود. اطلاعات جزئی‌تری می‌تواند به اتخاذ تصمیمات صحیح‌تری در زمینه تخصیص شفاف‌تر و قابل دسترس‌تر می‌تواند به اتخاذ تصمیمات صحیح‌تری در زمینه تخصیص بهینه منابع منجر شود و در نهایت باعث کارایی تخصیصی و شفافیت بازار شود که هدف نهایی بازار سرمایه است (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹).

گزارش حسابرس درباره صورت‌ها و سایر اطلاعات مالی، از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از قابلیت اطمینان اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود. حساب‌برسان مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت و فایده اطمینان اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرسی صورت‌های مالی توسط حساب‌برسان مستقل به عنوان یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا به شمار می‌آید. در دهه‌های اخیر که به دلیل برخی رسوایی‌های مالی نظیر رسوایی‌های حسابداری شرکت‌های اترون، ورلدکام و نظایر آن استقلال حساب‌برسان همواره مورد سؤال قرار گرفته، نهادهای نظارتی حرفه حسابداری و بازار سرمایه به منظور تقویت استقلال حساب‌برسان، تغییر منظم آن‌ها را به عنوان یکی از راهکارهای پیشنهادی الزام کرده و به اجرا گذاشته‌اند (بولو و همکاران، ۱۳۸۹).

تغییر حساب‌برس و خرید اظهارنظر، موضوع تکراری قابل ملاحظه‌ای برای سرمایه‌گذاران، پژوهشگران و قانون‌گذاران شده است. پژوهش‌های انجام شده دلایل مختلفی را شامل: کاهش حق‌الرحمه حساب‌برس، بهبود اعتبار گزارش سالانه، بهبود کیفیت حساب‌برسی، کاهش هزینه‌های نمایندگی، به دست آوردن گزارش حساب‌برسی مطلوب‌تر و غیره برای تغییر حساب‌برس توسط شرکت‌ها بیان کرده‌اند (فرس، ۱۹۹۹). بر مبنای این دلایل، خرید اظهارنظر، با توجه به اینکه مدیریت، حساب‌برسی جاری را به کسی تغییر می‌دهند، که استانداردهای

حسابداری محتاط‌تری لحاظ می‌کند، بیشتر مورد توجه است. به هر حال بیشتر پژوهش‌ها نشان داده است که تلاش مدیریت برای به دست آوردن خرید اظهارنظر ناموفق بوده است. اما چرا وقتی که شرکتی نتواند اظهارنظر مطلوب را به دست آورد، بعد از کسب اظهارنظر تعدیل شده حسابرسان خود را تغییر می‌دهند. نتایج پژوهش‌ها (ندرسون و همکاران^{۱۲}، ۱۹۹۳، بنی^{۱۳} و فرنی^{۱۴}، ۱۹۹۹ و توو^{۱۵}، ۲۰۱۲) نشان می‌دهد که اکثر شرکت‌هایی که گزارش حسابرسی شده تعدیل شده، و نامطلوب دریافت می‌کنند، معمولاً دارای عملکرد ضعیفی هستند و این احتمال وجود دارد که به همین دلیل، هیات مدیره و مدیر عامل شرکت تغییر کند که نتیجه این تغییر! تغییر حسابرس شرکت است. بنابراین، احتمال می‌رود که حسابرسان شرکت به دلیل تغییر مدیریت شرکت و یا اینکه عملکرد مالی شرکت ضعیف بوده باشد، تغییر کنند. پژوهشگرانی چون دی آنجلو^{۱۶} (۱۹۸۲)، مگی^{۱۷} و تسگ^{۱۸} (۱۹۹۰)، دی^{۱۹} (۱۹۹۱)، توو^{۲۰} (۱۹۹۲)، کریشنان و همکاران^{۲۱} (۱۹۹۶) معتقدند که تهدید بالقوه تغییر حسابرس می‌تواند باعث تأثیرگذاری بر روی اظهارنظر حسابرس و در نهایت استقلال او شود. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع فرآیند تغییر حسابرس و پژوهش‌های مختلف صورت‌گرفته در زمینه رابطه بین تغییر مدیریت و انتخاب حسابرس، مسئله اصلی پژوهش این است که تغییر مدیریت بر انتخاب حسابرس متقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد یا خیر؟

۲. مبانی نظری

۲.۱. انتخاب حسابرس

فرانسیس^{۲۲} و ویلسون^{۲۳} (۱۹۸۸) بیان می‌کنند که فرآیند تغییر حسابرس به دو مرحله تقسیم می‌شود، زیرا دلایل مربوط به کنارگذاری حسابرس قبلی ممکن است زمانی به معیارهای خاص مورد استفاده در تغییر حسابرس جدید نداشتند باشد؛ در مرحله اول، شرکت تصمیم به تغییر حسابرس می‌گیرد و در مرحله بعد، حسابرس جدید را انتخاب می‌کند (تقل از مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، کارلس و همکاران^{۲۴} (۲۰۱۰) معتقدند به طور کلی انتخاب حسابرس یک تصمیم اقتصادی است؛ صاحبکار خدمات حسابرس را در سطح کیفیت مورد انتظار خود با کمترین هزینه از قروشنده (حسابرس) می‌خرد؛ و تغییر حسابرس پاسخی به تغییر در مقدار و نوع

خدمات مورد نیاز صاحبکار است. انتخاب مؤسسه حسابرسی برای حیات شرکت‌های سهامی تصمیم‌گیری مهمی محسوب می‌شود و تصمیم برای تغییر حسابرسان نباید به سادگی انجام ری اهمیت تلقی شود (داویدسون و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ ۷۰).

در بازارهایی که شرکت‌ها به خدمات حسابرسی با کیفیت بالایی نیاز دارند، شرکت‌ها حسابرسانی را انتخاب می‌کنند که شرایطی چون عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند. پیتمن^{۱۱} و فورتین^{۱۲} (۲۰۰۴) معتقدند که حفظ مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی^{۱۳} به عنوان حسابرس شرکت، هزینه‌های نمایندگی را به وسیله افزایش اعتبار صورتهای مالی، کاهش داده و از سوی دیگر، این امکان را برای شرکت‌های جوان فراهم می‌کند که هزینه استقراض را کاهش دهند و همچنین، نرخ بهره شرکت را در طول زمان کاهش می‌دهد. فان^{۱۴} و وانگ^{۱۵} (۲۰۰۵) چنین بین می‌کنند که شرکت‌های با مشکلات نمایندگی بیشتر تمایل بیشتری به انتخاب مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ به عنوان حسابرس خود دارند. از سوی دیگر، خزانه‌داری آمریکا^{۱۶} (۲۰۰۸) بیان می‌کند که تغییرات حسابرسان به شدت در حال افزایش است و هنوز هم اجباری برای افشای دلیل تغییر وجود ندارد و یا اگر که وجود دارد کافی نیست. بنابراین، لازم است که کمیسیون بورس و اوراق بهادار^{۱۷} ابالات متحده عمه شرکت‌ها را ملزم کند که دلایل تغییر حسابرس خود را فشا کنند.

بررسی سوابق در کشور ایران در این زمینه نشان می‌دهد که فرآیند تغییر حسابرسان مستقل در سال‌های گذشته به دلیل محدود بودن حسابرسی توسط چند مؤسسه بزرگ از جمله مؤسسه حسابرسی صنایع ملی و سازمان برنامه، مؤسسه حسابرسی بنیاد منتصفان و مؤسسه حسابرسی شاهد به شکل مدون و رسمی و در غالب مفاد قانونی وجود نداشت و فقط گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای تعدادی از کارهای خاص، با نظر مدیران مؤسسه تغییر می‌کرد. در سال ۱۳۶۶ سازمان حسابرسی با ادغام این مؤسسه‌ها تشکیل شد. در سازمان حسابرسی به دلیل تنوع و تعدد صاحبکاران و به منظور اعمال کنترل و بررسی بیشتر، گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای کار در دوره‌های زمانی با میانگین سه سال تغییر می‌یابند. این جابجایی ممکن است مسئولیت انجام حسابرسی شرکت را از یک مدیر سنب و به مدیر دیگری در داخل آن سازمان محول کند. بنابراین، فرآیند تغییر صرفاً بین گروه‌های مختلف در درون سازمان

حسابرسی انجام می‌شود و در زمره مقررات تغییر حسابرس، مشابه سایر کشورها قرار نمی‌گیرد. اما در نهایت با تصویب دستورالعمل مؤسسه‌های حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در هشتم مرداد ۱۳۸۶ توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار، تغییر منظم حسابرس مستقل در دوره زمانی چهارساله الزامی شد و تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اختصاص تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار موظف به رعایت آن شدند (محمدی، ۱۳۹۰).

۲.۲. تغییر مدیریت و انتخاب حسابرس

این امکان وجود دارد که حسابرسان در هنگام ارزیابی سیستم کنترل داخلی واحد مورد رسیدگی و جمع‌آوری سایر شواهد نسبت به صداقت مدیریت دچار شک و تردید شوند و بعد از بررسی‌های بیشتر به این نتیجه برسند که اصلاحات ارائه شده توسط مدیریت قابل اتکا و معتبر نیستند و باعث افزایش شدید ریسک حسابرسی می‌شود. بنابراین، اگر تیم حسابرسی بتواند این مشکل را حل کند و ریسک حسابرسی را کاهش دهد امکان دارد تصمیم به واگذاری کار و تغییر صاحبکار بگیرند (زارعی مروج، ۱۳۸۵). همچنین، نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که تغییر در مدیریت شرکت‌ها، از عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس است (شوارتز^{۲۲} و منن^{۲۱}، ۱۹۸۵؛ دقوند^{۲۳}، ۱۹۹۲؛ و یلمان‌زاده^{۲۴} و روحی^{۲۵}، ۲۰۱۰). زمانی که مدیریت تغییر می‌کند، ممکن است برای این‌که خود را خوب جلوه دهد اقدام به تغییرهایی کند که یکی از این تغییرها، تغییر حسابرسان (به منظور افزایش کیفیت) باشد. مدیریت جدید ممکن است صرفاً به این دلیل حسابرس جدیدی را انتخاب کند که شرکت در جستجوی ایده‌های نوینی است که با رویه‌ها و سیاست‌های مدیریت پیشین ناسازگار است که یا او در گذشته کار کرده است (شوارتز و منن، ۱۹۸۵). از سوی دیگر، تغییرات مدیریت نیز می‌تواند به دلیل عدم رضایت از خدمات حسابرس قبلی، عدم توافق با حق‌الرحمه حسابرسی، منجر به جستجوی حسابرسان جدید شود. مدیریت جدید ممکن است به استفاده از روش‌های حسابداری افزایش سود تمایل داشته باشد و به دنبال حسابرسی برای تأیید روش مذکور باشد. مدیریت جدید همچنین ممکن است به دلیل سوءظن یا نارضایتی از مجموعه مدیریت و حسابرس قبلی درصدد انجام

حسابرسی توسط حسابرس جایگزین و انتقال مسئولیت به مدیریت و حسابرس قبلی باشد. از سوی دیگر، مدیریت جدید می‌توند به منظور سابقه همکاری و رابطه با حسابرس دیگر در شرکت قبلی و تمایل به ادامه همکاری با آن، حسابرسان فعلی شرکت را تغییر دهند (وو^{۲۸} و چایکو^{۲۹}، ۲۰۰۱؛ رجی، ۱۳۸۵؛ داویدسون و همکاران، ۲۰۰۶؛ و ملزینز^{۳۰} و ریس^{۳۱}، ۲۰۱۰).

۴. پیشنهاد پژوهش

نتایج اکثر پژوهش‌ها، چنین بیان می‌کنند که شرکت‌ها بعد از دریافت گزارش حسابرسی تعدیل شده حسابرسان خود را تغییر می‌دهند (جو^{۳۳} و رایس^{۳۳}، ۱۹۸۲؛ کریشان و استغان^{۳۴}، ۱۹۹۵؛ لی و همکاران^{۳۵}، ۲۰۰۱؛ لی و وو^{۳۶}، ۲۰۰۲؛ توو^{۳۷}، ۲۰۱۲؛ و محمدی و محمدی، ۲۰۱۲). کریشان (۱۹۹۴) معتقد است ماشه عس تغییر حسابرس زمانی کشیده می‌شود که حسابرس مستقل برای صاحبکار خود فضاوب‌های محافظانه‌تری را لحاظ می‌کند. اما نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با این وجود که حسابرس تغییر می‌کند ولی گزارش حسابرسی تغییری نمی‌کند (وو و تان^{۳۸}، ۲۰۰۵؛ و وانگ^{۳۹}، ۲۰۰۶). بنابراین، تغییر حسابرس عملی بهبوده تلفی می‌شود. کریشان و همکاران (۱۹۹۶) به این نتیجه رسیدند حتی احتمال بیشتری دارد که حسابرسان برای صاحبکارانی اظهارنظر تعدیل شده صادر کنند که حسابرس خود را تغییر داده‌اند.

میرز و همکاران^{۴۰} (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان لزام تغییر اجباری حسابرس، به بررسی عوامل انزام رانه مجدد صورت‌های مالی و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی پرداخته‌اند. برای این کار به تجزیه و تحلیلی اطلاعات ۵۶۲ شرکت دولتی پرداخته شده است که بین ژوئن ۱۹۹۷ و اکتبر ۲۰۰۱ صورت‌های مالی خود را ارائه مجدد نموده بودند. نتایج نشان داد که شرکت‌های دارای دوره تصدی حسابرسی طولانی‌تر، علاقه‌ای به تنظیم و رانه مجدد صورت‌های مالی ندارند. از سوی دیگر، افزایش دوره تصدی بیش از سه سال در شرکت‌های نمونه باعث انحراف صاحبکار از استنداردهای حسابداری برای گزارشگری فعالیت‌های تجاری شده است.

راکو و همکاران^{۴۱} (۲۰۱۰) معتقدند که ممکن است صاحبکار به منظور نظارت بیشتر بر گزارش‌های مدیریتی و در اختیار قرار دادن این گزارش‌ها به اشخاص ثالث، از

حسابرسان یا تخصص بیشتری استفاده کنند و نرسنی از نوع گزارش حسابرسی نداشته باشند، در حالی که صاحبکاران دیگری نیز وجود دارند که به دنبال حسابرسانی هستند که با رویه‌های حسابداری و سایر ویژگی‌های حسابداری آن‌ها نظر مساعدتری دارند و گزارش خود را در رابطه با این موضوعات تعدیل نمی‌کنند.

محمدی و محمدی (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین تغییر حسابرسی و گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین تغییر حسابرسی مستقل با گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران رابطه معناداری وجود داشته و در بحث نوع تغییر حسابرسی نیز نتایج آزمون فرضیه‌ها بیان‌گر این مطلب بود که بین نوع تغییر حسابرسی مستقل با گزارش حسابرسی در شرکت‌های مورد بررسی رابطه معناداری وجود ندارد. نور (۲۰۱۲) در پژوهشی با بررسی ۱۴۴۰۷ مشاهده در شرکت‌های چینی در طی سال‌های ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۹، به بررسی رابطه بین تغییر در کنترل‌کننده‌های شرکت (هیئت مدیره، مدیر عامل و سهامداران نهادی) و تغییر حسابرسی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که بین تغییر کنترل‌کننده‌های شرکت و تغییر حسابرسی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

زارعی مروج (۱۳۸۵) در شناسایی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسی در ایران به این نتیجه رسید که حق الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرسی، تغییر مدیران شرکت‌ها، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر تغییر حسابرسان از سوی شرکت‌ها تأثیر دارد و افزایش نظر مشروط، افزایش میزان فروش شرکت صاحبکار، بالا بودن نسبت بدهی بلندمدت به دارایی‌ها و نسبت بدهی کوتاه‌مدت به دارایی‌ها و افزایش سرمایه در شرکت صاحبکار بر تغییر حسابرسان شرکت‌ها تأثیری ندارد.

ایمان‌زاده و روحی (۱۳۸۹) در بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بیان نمودند که بین تغییر مدیریت صاحبکار، افزایش حق الزحمه حسابرسی و کوچک بودن و کیفیت پایین مؤسسه‌های حسابرسی با تغییر حسابرسی رابطه معناداری وجود داشته اما، بین صدور گزارش مشروط یا مردود و تغییر حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد.

محمدی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین تغییر حسابرِس و تغییر قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸ پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد در کل بین تغییر حسابرِس و تغییر قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد، ولی با این وجود، بین تغییر حسابرِس از سازمان حسابرِس به مؤسسه‌های حسابرِس عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام رابطه معناداری وجود دارد.

۵. فرضیه‌های پژوهش

برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه آیا بین فرآیند تغییر مدیریت و انتخاب حسابرِس مستقل رابطه‌ی معناداری وجود دارد یا خیر؟ فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شد:

فرضیه‌های پژوهش:

۱. بین تغییر مدیریت با تغییر حسابرِس مستقل، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
۲. بین تغییر مدیریت با نوع تغییر حسابرِس مستقل، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۶. روش اجرای پژوهش

۶.۱. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

این پژوهش کاربردی است و از طرح شبه تجربی و رویکرد پس‌رویدادی استفاده می‌کند. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین، و داده‌های مورد نیاز از طریق مراجعه به صورت‌های مالی حسابرِس شده، یادداشت‌های توضیحی، گزارش‌های هفتگی و ماهنامه بورس اوراق بهادار، سایت مصالعات و پژوهش بورس اوراق بهادار و سایر سایت‌های معتبر و نرم افزار تدبیرپرداز گردآوری شده است. متغیرهای این پژوهش با نرم‌افزار اکسل محاسبه و سپس تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش، به همراه نتایج آن نیز با توجه به خروجی‌های به دست آمده از نرم‌افزار اسپس انجام شده است.

۷. جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که حداقل ۲ سال متوالی طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴ در بورس فعالیت داشته باشند. همچنین، برای انتخاب شرکت‌ها پیش‌فرض‌های زیر اعمال شده است:

۱. شرکت حداقل ۲ سال در طی ۶ سال اخیر در بورس فعالیت داشته و گزارش‌های مالی خود را طی این سال‌ها به بورس ارائه داده باشد.
 ۲. شرکت حداقل ۲ سال متوالی ۲۹ اسفند را به عنوان پایان سال مالی انتخاب کرده باشد.
 ۳. شرکت انتخابی جزء شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری نباشد.
- با در نظر گرفتن این پیش‌فرض‌ها در مجموع ۱۳۶۲ سال شرکت، و از این تعداد ۲۴۸ مشاهده (تغییر مدیریت) مورد بررسی قرار گرفت.

۸. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. از آنجا که متغیرهای این پژوهش از نوع اسمی هستند بنابراین، باید از آزمون‌های ناپارامتریک برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شود. از این‌رو، در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون ناپارامتریک، توزیع خی‌دو استفاده شده است.

۸.۱. متغیرهای پژوهش

الف) تغییر مدیریت: به اعتقاد هرمالین^{۲۱} و ریباچ^{۲۲} (۱۹۹۸: ۹۷)، قدرت، نفوذ و ثبات مدیریت در منصب مدیریت به عملکرد شرکت وابسته است و عملکرد ضعیف شرکت‌ها در دوره‌های قبل، موجب می‌شود که شرکت‌ها بر این نظارت بیشتر بر عملکرد مدیرعامل، تعداد اعضای غیرموظف خود را افزایش دهند. همچنین، زمان تغییر مدیریت ممکن است برای این‌که خود را خوب جلوه دهند اقدام به تغییرهایی کنند که یکی از این تغییرها، تغییر حسابرسان (به منظور افزایش کیفیت و با استخدام حسابرسی که با آن‌ها رابطه بهتری دارد)، باشد. در این پژوهش، تغییر مدیریت برای سنجش قدرت نفوذ آن بر انتخاب حسابرس به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

ب) تغییر حسابرس: در این پژوهش، آفیز حسابرس شامل هر نوع تغییر حسابرس از جمله تغییر از سازمان حسابرسی به مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، تغییر از مؤسسه حسابرسی بزرگ به مؤسسه حسابرسی کوچک و بالعکس است. همچنین، در این پژوهش، مشابه پژوهش لین^{۴۵} و مینگ^{۴۶} (۲۰۱۰)، زارع (۱۳۸۹) و محمدی (۱۳۹۰) مؤسسه‌های حسابرسی بر اساس میزان درآمد آن‌ها به مؤسسه‌های بزرگ و کوچک تقسیم بندی شده‌اند، که بر این اساس ده مؤسسه‌ای که دارای بیشترین درآمد بودند به عنوان مؤسسه حسابرسی بزرگ و بقیه مؤسسه‌ها به عنوان مؤسسه حسابرسی کوچک دسته‌بندی شدند. در این پژوهش، تغییر حسابرس به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

۹. تجزیه و تحلیل نتایج

۹.۱. آمار توصیفی

با توجه به اینکه متغیرهای مستقل پژوهش حاضر از نوع اسمی هستند، ارائه آمار توصیفی برای آن‌ها مفید نیست و اطلاعات خاصی را به خواننده منتقل نمی‌کند (طیبی و همکاران، ۱۳۹۱). لذا، برای متغیرهای پژوهش آمار توصیفی تهیه نشده است. به هر حال، در نگاره (۱) تعداد شرکت‌های انتخاب شده و میزان تغییرها به تفکیک سال‌های مختلف نشان داده شده است.

نگاره (۱): تعداد شرکت‌های انتخاب شده و میزان تغییر متغیرهای مستقل

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	جمع
تغییر مدیریت	۸۰	۷۴	۷۷	۸۰	۳۷	۳۴۸
تغییر حسابرس	۵۶	۴۳	۷۴	۵۱	۲۹	۲۵۳

(مترجم: پایه‌های تحقیق)

همانطور که نگاره (۱) نشان می‌دهد تعداد تغییر مدیریت در همه سال‌های تحت بررسی به نسبت ثابت بوده که البته در سال ۱۳۸۹ به یکباره تعداد آن کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. همچنین، اعداد و ارقام نشان می‌دهد که تغییر مدیریت و تغییر حسابرس در اکثر سال‌ها به نسبت ثابتی است.

۹.۲. آزمون فرضیه‌های پژوهش

۹.۲.۱. آزمون فرضیه اول

فرضیه اول به صورت زیر بیان می‌شود:

H_0 : بین تغییر مدیریت با تغییر حسابرسان مستقل، رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین تغییر مدیریت با تغییر حسابرسان مستقل، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نگاره (۲): جدول تقاطعی تغییر مدیر و تغییر حسابرسان

متغیرها		تغییر حسابرسان	
		تغییر	عدم تغییر
عدم	تعداد	۱۵۶	۸۵۸
	درصد	۱۵.۶٪	۸۵.۴٪
تغییر	تعداد	۹۷	۲۵۱
	درصد	۷.۲۸٪	۲۲.۷۲٪
تغییر مدیر	تعداد	۲۵۳	۱۱۰۹
	درصد	۲۵.۳٪	۷۸.۷٪
جمع	تعداد	۳۴۸	۱۳۶۹
	درصد	۲۵.۳٪	۷۸.۷٪
خی دو مشاهده شده		۲۷.۷۱۷	درجه آزادی
سطح معناداری		۰.۰۰۱	تأیید یا رد فرضیه
		تأیید	

(منبع: یافته‌های تحقیق)

نگاره (۲)، نتایج بررسی آماری آماره خی دو و آزمون فرضیه اول را نشان می‌دهد. طبق این نگاره مقدار خی دو مشاهده شده برابر ۲۷.۷۱۷ با درجه آزادی ۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. و چون مقدار آن از ۰/۰۵ کمتر است بنابراین، می‌توان فرض H_0 (بین تغییر مدیر عامل با تغییر حسابرسان مستقل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد) را رد کرد. از این رو، می‌توان این گونه بیان کرد که توزیع تغییر مدیر، از توزیع تغییر حسابرسان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مستقل نیست. به بیان دیگر، رابطه معناداری بین تغییر مدیر و تغییر حسابرسان وجود دارد.

۹.۲.۲. آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم به صورت زیر بیان می‌شود:

H_0 : بین تغییر مدیریت با نوع تغییر حسابرسان مستقل، رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

II. بین تغییر مدیریت با نوع تغییر حسابرس مستقل، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نگاره (۳)، نتایج بررسی آماره χ^2 دو و آزمون فرضیه دوم را نشان می‌دهد.

نگاره (۳): جدول تقاطعی نوع تغییر مدیریت و نوع تغییر حسابرس

متغیرها	تغییر حسابرس				
	عدم تغییر	۱ به ۲*	۲ به ۱	۱ به ۱	۲ به ۲
عدم تعداد	۸۵۸	۶	۴۱	۱۰۵	۰
تغییر درصد	۲۸۴.۶	۲.۰۰۶	۱۳.۰۴	۳۴.۰۸	۰
تغییر مدیر تعداد	۲۵۱	۵	۳۱	۶۱	۰
تغییر مدیر درصد	۷۷.۲	۱.۴۲	۱۹.۰۹	۱۷.۰۸	۰
جمع عدم	۱۱۰۹	۱۱	۷۲	۱۷۰	۰
جمع درصد	۳۸۱.۴	۰.۳۱	۴.۶۵	۱۱۲.۵	۰

۵۵ کد ۱: مؤسسه‌های حسابداری کوچک و کد ۲: مؤسسه‌های حسابداری بزرگ

خی‌دو مشاهده شده	درجه آزادی	سطح معناداری	تأیید یا رد فرضیه
۲۸,۳۹۲	۳	۰/۰۰۱	تأیید

(منبع: یافته‌های تحقیق)

همانطور که نگاره (۳) نشان می‌دهد، مقدار خی‌دو مشاهده شده برابر ۲۸,۳۹۲ با درجه آزادی ۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است، و چون مقدار آن از ۰/۰۵ کمتر است بنابراین، می‌توان فرض H_{II} (بین تغییر مدیریت با نوع تغییر حسابرس مستقل رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد) را رد کرد. از این رو، می‌توان این‌گونه بیان کرد که توزیع تغییر مدیر، از توزیع نوع تغییر حسابرس شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مستقل نیست. به بیان دیگر، رابطه معناداری بین تغییر مدیر و نوع تغییر حسابرس وجود دارد.

۱۰. یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش، هر دو فرضیه پژوهش تأیید شدند. در فرضیه اول، رابطه بین تغییر مدیریت و تغییر حسابرس بررسی شد. نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به این فرضیه بیانگر این است که بین دو متغیر مزبور، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در واقع بر اساس ادبیات موجود در این فرضیه سعی شد

رابطه بین این دو متغیر به‌طور کلی مورد بررسی قرار گیرد، با توجه تأیید شدن فرضیه اول، و نگاره شماره ۲ می‌توان بیان کرد هنگامی که مدیریت شرکت‌ها تغییر می‌یابد، انتظار بر این است که با توجه به اینکه مدیریت دارای قدرت نفوذ در شرکت است حسابرس مستقل شرکت نیز تغییر کند. در فرضیه دوم رابطه بین تغییر مدیریت با نوع تغییر حسابرسی مستقل مورد بررسی قرار گرفت. در واقع با توجه به تأیید فرضیه اول، در این فرضیه سعی شد که این موضوع مورد توجه قرار گیرد که آیا تغییر مدیریت بر نوع تغییر حسابرس تأثیرگذار است یا خیر، و اینکه آیا مدیریت جدید سعی در تغییر اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت آن دارد یا خیر؟ از این رو، مؤسسه‌های حسابرس بر اساس میزان درآمد آن‌ها به بزرگ و کوچک تقسیم شدند. نتایج بین فرضیه نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین تغییر مدیریت و نوع تغییر حسابرس وجود دارد، و هنگامی که مدیریت شرکت تغییر می‌کند؛ مدیریت جدید سعی در حسابرسی را انتخاب کند که از نظر اندازه از مؤسسه حسابرسی قبلی کوچکتر و یا در همان اندازه باشد. با توجه مبانی نظری پژوهش از آنجا که فرض بر این است که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگتر کیفیت حسابرسی آن‌ها نیز بیشتر است؛ پس می‌توان اینگونه بیان نمود که مدیریت جدید شرکت سعی در حفظ سطح کیفیت حسابرسی موجود و حتی در برخی موارد کاهش آن را دارد. نتایج مزبور از نظر نوع رابطه معناداری با نتایج پژوهش‌های زارعی مروج (۱۳۸۵)، ایمان‌زاده و روحی (۱۳۸۹)، راکو و همکاران (۲۰۱۰) و نوو (۲۰۱۲)، مطابقت دارد.

۱۱. نتیجه‌گیری

پدیده تغییر حسابرس در سال‌های اخیر توجه بسیاری را از محافل دانشگاهی و فعالان حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. این پدیده از نظر ترک وضعیت بازار خدمات حسابرسی و میزان رقابت در حرفه حسابرسی اهمیت ویژه‌ای دارد. الزامات افشای اطلاعات و واکنش بازار در قبال تغییر حسابرسان با هدف دلسرد کردن مدیریت صاحبکار برای اخذ گزارش‌های حسابرسی مطلوب و یا مجوز استفاده از روش‌های حسابداری خاص ایجاد شده‌اند. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تغییر مدیریت و انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. برای این منظور دو فرضیه تدوین شد. بعد از بررسی و آزمون فرضیه‌ها،

فرضیه اول، که در مورد رابطه بین تغییر مدیریت و تغییر حسابرسان بود و فرضیه دوم که مورد رابطه بین تغییر مدیریت و نوع تغییر حسابرسان بود، تأیید شدند.

۱۲. محدودیت‌های پژوهش

در هنگام انجام هر پژوهش محدودیت‌هایی بر سر راه پژوهشگر قرار می‌گیرد که این پژوهش نیز از آن مستثنی نیست. در زیر برخی از عمده‌ترین محدودیت‌های این پژوهش بیان می‌شود.

۱. در این پژوهش به منظور طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسانی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های حسابرسانی بزرگ و کوچک، از میزان درآمد آن‌ها استفاده شد، که ممکن است با در نظر گرفتن متغیرهای دیگر همچون تعداد کارکنان، سال تأسیس و میزان سابقه کاری آن‌ها، برای طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسانی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، نحوه طبقه‌بندی با طبقه‌بندی این پژوهش متفاوت باشد.

۲. به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و از آن جا که نوع درآمد حاصل از عملیات آن‌ها و همچنین ساختار صورت‌حساب سود و زیان آن‌ها با سایر شرکت‌ها متفاوت است، از این رو این گونه شرکت‌ها از جامعه مورد مطالعه حذف شده‌اند.

۳. به منظور انتخاب شرکت‌ها، اقدام به گزینش بر اساس شرایط ویژه‌ای شده است که در آن تاریخ مالی شرکت‌های انتخاب شده، پایان اسفند ماه باشد. این شرط محدودیت زمانی و نیز زمان انجام پژوهش بوده است.

۱۳. پیشنهادهای حاصل از نتایج پژوهش

۱. با توجه به معنادار بودن رابطه بین تغییر مدیر و انتخاب حسابرسان به سازمان بورس و اوراق بهادار توصیه می‌شود که فرم‌هایی شبیه فرم $k-A$ تهیه و در نظر گرفته شود تا شرکت‌هایی که حسابرسان خود را تغییر می‌دهند، ملزم به ذکر دلایل تغییر شوند. و همچنین، کنترل‌هایی در نظر گرفته شود که مانع از تغییر ادواری و بی‌دلیل تغییر شوند. ۲. به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های خود افزون بر متغیرهای مالی و غیرمالی به اطلاعات دیگری همچون تغییر مدیر و اقدامات مدیر بعد از این تغییر نیز توجه کنند.

۱۴. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

۱. تکرار این پژوهش با استفاده از معیارهای دیگری چون سال تأسیس و میزان سابقه کاری، برای طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، و کوچک.
۲. بررسی و آزمون رابطه بین تغییر مدیر و انتخاب حسابرس، برای شرکت‌های زیان‌ده در مقایسه با شرکت‌های سودده.
۳. در این پژوهش نوع صنعت مورد کنترل قرار نگرفته است؛ پیشنهاد می‌شود رابطه تغییر مدیر و انتخاب حسابرس شرکت‌ها در صنایع گوناگون نیز به‌ویژه و تحلیل و مورد مقایسه قرار گیرد.

پادداشت‌ها:

- | | |
|---|------------------|
| 1. Firth | 24. Menon |
| 2. Anderson et al. | 25. Defond |
| 3. Beattie | 26. Imanzade |
| 4. Fearnley | 27. Roohi |
| 5. Tu | 28. Woo |
| 6. DeAngelo | 29. Chyeko |
| 7. Magee | 30. Martinez |
| 8. Tseng | 31. Reiss |
| 9. Dyc | 32. Chow |
| 10. Teoh | 33. Rice |
| 11. Krishnan et al. | 34. Stephens |
| 12. Francis | 35. Li et al. |
| 13. Wilson | 36. Wu |
| 14. Charles et al. | 37. Mohammadi |
| 15. Davidson et al. | 38. Tan |
| 16. Pittman | 39. Wang |
| 17. Fortin | 40. Myers et al. |
| 18. Big Six | 41. Rakow et al. |
| 19. Fan | 42. Controller |
| 20. Wong | 43. Hermalin |
| 21. U.S. Treasury | 44. Weisbach |
| 22. Securities and Exchange
Commission | 45. Lin |
| 23. Schwartz | 46. Ming |

منابع و مأخذ

۱. بولور، قاسم؛ کیهان، مهام؛ و اسماعیل، گوردزی (۱۳۸۹). «تغییر حسابرسان مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». فصلنامه دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱، تابستان، صص ۱۳۵-۱۱۱.
۲. رجیبی، روح‌اله (۱۳۸۵). «چالش‌های تعویض حسابرس». فصلنامه حسابدار رسمی، سال سوم، بهار و تابستان، شماره‌های ۸ و ۹، صص ۶۵-۵۳.
۳. زارع، غلامحسین (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. «پایان‌نامه کارشناسی ارشد»، دانشگاه شیراز.
۴. زارع، مروج؛ کمال، (۱۳۸۵). «شناسایی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس در ایران». «پایان‌نامه کارشناسی ارشد»، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. ظیبی، سید جمال‌الدین؛ ملکی، محمدرضا؛ و بهرام دلگشایی (۱۳۹۱). تدوین پایان‌نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی- تهران: انتشارات فردوس.
۶. محمدی، سامان (۱۳۹۰). بررسی تأثیر تغییر حسابرس بر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. «پایان‌نامه کارشناسی ارشد»، دانشگاه شیراز.
۷. مهدوی، غلامحسین و شهلا ابراهیمی (۱۳۸۹). «تغییر حسابرس: چراغ سبز یا قرمز؟». فصلنامه حسابرس، شماره ۵۹، تابستان، صص ۱۲۱-۱۱۳.
8. Anderson, D., Stokes, D., Zimmer, J., (1993). "Corporate Takeovers and Auditor Switching". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 12, 65-73.
9. Beattie, V., Fearnley, S., (1995). "The Importance of Audit Firm Characteristics and the Drivers of Auditor Change in UK Listed Companies". *Accounting and Business Research*, 25, 227-239.
10. Charles, J. P., Chen, X. S., and Wu, X., (2010). "Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study." *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 29, Issue. 1, pp. 41-72.
11. Chow, C.W., and S.J. Rice. (1982). "Qualified Audit Opinions and Auditor Switching". *The Accounting review*, Vol. LVI.1., No. 2, pp. 326-335.
12. Davidson, W. N.; Jimaporn, P.; and P. Dadalt (2006). "Causes and Consequences of Audit Shopping: An Analysis of Audit Shopping: An Analysis of Auditor Opinions, Earnings Management, and Auditor Changes, Quarterly." *Journal of Business and Economics*, Vol. 45, No. 1 and 2, pp. 69-87.
13. DeAngelo, L. E. (1982). "Mandated Successful Efforts and Auditor Choice." *Journal of Accounting and Economics*, No. 4(3), pp. 171-203.
14. Dye, R. A. (1991). "Information ally motivated auditor replacement". *Journal of Accounting and Economics*, (December), pp. 347-374.

15. Fan, J., Wong, T.J., (2005). Do External Auditors Perform a Corporate Governance Role in Emerging Markets? Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research*, 43 (1), 35-72.
16. Firth, M., (1999). Company Takeovers and the Auditor Choice Decision. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 8 (2), 197-214.
17. Francis J. R. and E. R. Wilson (1988). "Auditor Change: A Joint Test of Theories Relating To Agency Cost and Auditor Differentiation", *The Accounting Review*, October: 663-683
18. Hermalin, B. F. and M. S. Weisbach (1998). "Endogenously Chosen Boards of Directors and Their Monitoring of the CEO." *American Economic Review*, Vol. 88, pp. 96-118.
19. Krishnan, J., (1994). Auditor Switching and Conservatism. *The Accounting Review*, 69, 200-215.
20. Krishnan, J., Krishnan, K., Stephen, R.G., (1996). The Simultaneous Relation Between Auditor Switching and Audit Opinion: an Empirical Analysis. *Accounting and Business Research*, 3, 224-236.
21. Krishnan, J. and R. G. Stephens (1996). "Evidence on Opinion Shopping from Audit Opinion Conservatism." *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 14, pp. 179-201.
22. Lin, Z. J. and L. Ming (2010). "The Determinants of Auditor Switch from the Perspective of Corporate Governance in China." *Advances in International Accounting*, Vol. 18, Issue. 1, pp. 117-127.
23. Li, S., Wu, X., (2002). Research on Auditor Change: Preliminary Evidence from China. *China Finance and Economics Press*, Beijing.
24. Li, D., Huang, D., Wang, Z., (2001). No clean Opinion, Earnings Management, And Auditor Change. *Accounting Research*, 6 (in Chinese).
25. Imanzade, P. and A. Roohi (2010). "Studying the Reasons of Auditor Change in Accepted Companies in Tehran Stock Exchange." *World Applied Sciences Journal*, Vol. 9, Issue. 7, pp. 734-739.
26. Magee, R. P. And Tseng, M. (1990). "Audit Pricing and Independence". *The Accounting Review*, (April), pp. 315-336.
27. Martinez, A. L., and G. M. R. Reis. (2010). "Audit Firm Rotation and Earnings Management in Brazil." papers.ssrn. com/ so/3/ Delivery. *SSRN_ID1640260_code544594. pdf. [14 July 2010]*.
28. Myers, J. N.; Myers, L. A.; Palmrose, Z. V.; and S. Scholz (2005). "The Length of Auditor-Client Relationships and Financial Statement Restatements." <http://accwkshop.cox.smu.edu/acctwkshop/220052006/mumps.PDF>. [9 June 2005].
29. Mohammadi, S., and Mohammadi, K., (2012). Auditor Switching and Auditing Report: Evidence from Tehran Stock Exchange, *SA Journal of Accounting Research*, Working Paper.
30. Pittman, J.A., Fortin, S., (2004). Auditor Choice and the Cost of Debt Capital for Newly Public Firms. *Journal of Accounting and Economics*, 37, 113-136.
31. Rakow, K. C.; Kenneth J. R.; and S. L. Tiras (2010). "Audit Switching Risk and Lending Decisions." *Commercial Lending Review*, No. 25, Vol. 5, pp. 55-38.
32. Schwartz, K. B. and K. Menon (1985). "Auditor Switches by Failing Firms." *The Accounting Review*, No. 60 (4), pp. 248-261.

33. Tech.S. (1992). "Auditor Independence, Dismissal Threats and the Market Reaction to Auditor Switches." *Journal of Accounting Research*, No. 30, pp. 1-23.
34. Treasury, U. S. (2008). Advisory Committee on The Auditing Profession: Draft report-May 5, *Washington: D. C. Government Printing Office*.
35. Tu, G. (2012), "Controller Changes and Auditor Changes", *China Journal of Accounting Research* 5, pp. 45-58.
36. Wang, C., (2006). Stopping Loss, Auditor Change, and Opinion Shopping. *Auditing and Economics Research* 5.
37. Won, E. S. and H. Chye Koh (2001). "Factors Associated with Auditor Change: A Singapore Study." *Accounting and Business Research*, Vol. 31, Issue. 1, pp. 133-44.
38. Wu, L., Tan, L., (2005). Auditor Change Decision and the Improvement of Auditor Opinion. *Auditing Research*, 2 in Chinese).